

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN

GOOGLESCHOLAR.ENSANI

www.jaml.ir

صفحات: ۱۲-۱

سال انتشار: ۱۴۰۵

شماره انتشار: ۲۶

بررسی فقهی و حقوقی شیوه‌های جبران خسارت زیان‌دیده در صورت اجمال سبب

- میرزا علی کتابی : استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
- سید امیر دبیری : دانش پژوه سطح چهار (دکتری) فقه و اصول حوزه علمیه قم
- محمد حسین نجفی : دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اردبیل
- مرضیه پور کریم : کارشناس ارشد فقه و حقوق از دانشگاه ارومیه و مدرس دانشگاه

چکیده

در نظام فقهی و حقوقی، یکی از مسائل پیچیده، نحوه جبران خسارت در مواردی است که عامل ورود زیان به طور اجمالی مشخص باشد و نتوان مباشر واقعی را از میان گروهی از افراد معین تعیین کرد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی فقهی و حقوقی چگونگی جبران خسارت زیان‌دیده در فرض اجمال سبب می‌پردازد. مسئله اصلی این است که اگر چند نفر هم‌زمان و به‌صورت مستقل عملی مشابه انجام دهند که از مجموع آن‌ها ضرری به شخص ثالث وارد شود، اما نتوان اثبات کرد که دقیقاً کدام یک سبب اصلی ورود زیان بوده است، چگونه باید خسارت را جبران نمود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این مسئله دیدگاه‌های متعددی میان فقها و حقوقدانان وجود دارد. برخی با استناد به اصل شخصی بودن مسئولیت، هرگونه الزام به جبران خسارت را در غیاب تعیین مباشر واقعی منتفی می‌دانند. در مقابل، گروهی از اندیشمندان مسئولیت گروهی یا تساوی مسئولیت را پذیرفته و معتقدند همه افراد مشکوک باید به نسبت مساوی یا تضامنی، خسارت وارده را جبران نمایند. برخی نیز با تأکید بر مبانی عدالت اصلاحی و لزوم حمایت از زیان‌دیده، پیشنهاد جبران خسارت از محل بیت‌المال، صندوق‌های بیمه یا منابع عمومی را ارائه کرده‌اند. در برخی آرا نیز راه‌حل قرعه برای تعیین مسئول مطرح شده است. در نهایت، اگرچه هر یک از این دیدگاه‌ها دارای مزایا و کاستی‌هایی است، اما مطابق تحلیل نگارنده، مقتضای عدالت و انصاف، شناسایی مسئولیت مشترک و مساوی میان تمام افراد مشمول علم اجمالی است؛ به‌ویژه در مواردی که امکان احراز رابطه‌ی علیت فردی وجود نداشته ولی یقین به تحقق ضرر از ناحیه یکی از افراد مشخص باشد.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، علم اجمالی، سبب مجمل، مسئولیت مدنی، فقه امامیه، حقوق ایران

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Jurisprudence and legal examination of the methods of compensation for damages in the event of a summary of the cause

- Mirza Ali Kitabi : Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia University, Urmia, Iran
- Seyyed Amir Dabiri : Fourth-level (PhD) scholar of Jurisprudence and Principles of :Qom Seminary
- Mohammad Hossein Najafi : PhD student of Private Law, Azad University of Ardabil
- Marzieh Pourkarim : Master of Jurisprudence and Law from Urmia University and University Lecturer

Abstract

In the jurisprudence and legal system, one of the complex issues is how to compensate for damages in cases where the cause of the loss is clearly known and the real steward cannot be determined from among a group of specific people. This article, with a descriptive-analytical approach and based on library studies, deals with jurisprudential and legal investigation of how to compensate for damages in the presumption of summary causation. The main issue is that if several people do a similar act at the same time and independently, which results in a loss to a third party, but it cannot be proven that exactly which one was the main cause of the loss, how should the damage be compensated. The results of the research show that there are many views among the jurists and lawyers. Some, referring to the principle of personal responsibility, exclude any obligation to compensate in the absence of appointing a real guardian. On the other hand, a group of thinkers accept group responsibility or equality of responsibility and believe that all suspicious people should compensate the damage caused equally or jointly. Emphasizing the principles of corrective justice and the need to protect the victim, some have proposed to compensate the damage from the treasury, insurance funds or public resources. In some votes, the solution of drawing lots to determine the person responsible has been proposed. Finally, although each of these views has its advantages and disadvantages, according to the author's analysis, it is necessary for justice and fairness to identify the common and equal responsibility among all people subject to abstract knowledge; Especially in cases where it is not possible to establish the relationship of individual causation, but it is certain that one of the people will be harmed.

Keywords: Compensation for Damages, Probabilistic Knowledge ('Ilm Ijmālī), Uncertain Causation (Sabab Mujmal), Civil Liability, Imami Jurisprudence, Iranian Law

JEL Classification: Jurisprudence – Law – Criminal and Criminology – International Law – Private Law

آن، بررسی دقیق و منصفانه داده‌های عینی دشوارتر می‌شود. از منظر موضوعی، مسائلی چون آسیب ناشی از بازی جمعی کودکان با توپ، شلیک هم‌زمان چند شکارچی، یا تصادف زنجیره‌ای چند خودرو، نمونه‌هایی بارز از مواردی هستند که در آن‌ها علم اجمالی به وقوع ضرر از سوی یکی از افراد حاضر وجود دارد، ولی امکان تعیین دقیق فاعل حقیقی میسر نیست (محقق داماد، همان، ص ۳۲۰). (این موارد در عمل، چالش‌هایی جدی در نظام مسئولیت مدنی به وجود آورده‌اند؛ زیرا در غیاب تشخیص دقیق فاعل، نحوه جبران خسارت و تعیین مسئولیت قانونی به یک مسئله مبهم و چندلایه تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان بدون شناسایی دقیق مسبب، از حق زیان‌دیده دفاع و راه‌حلی عادلانه برای جبران خسارت او ارائه کرد. با اینکه در نظام تقنینی ایران به‌صورت مستقیم و صریح به این مسئله پرداخته نشده، اما بررسی برخی مواد قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که قانون‌گذار، به‌طور ضمنی برخی راهکارها را برای مواجهه با وضعیت‌های مشابه در نظر گرفته است. بنابراین، موضوع «اجمال سبب» را باید یکی از مباحث دشوار کاربردی و کمتر کاوش‌شده در فقه و حقوق دانست. با وجود اهمیت انکارناپذیر آن، هنوز تحلیل عمیق و جامعی از این مسئله در ادبیات فقهی و حقوقی صورت نگرفته و خلأ نظری قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. بررسی دقیق ابعاد نظری و عملی آن، می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای عدالت قضایی توسعه اصول مسئولیت مدنی، و تقویت حمایت از حقوق زیان‌دیدگان باشد بر این اساس، تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع معتبر فقهی و حقوقی، تلاش دارد تا ابعاد مختلف مسئله جبران خسارت در فرض اجمال

در میان مسائل فقهی و حقوقی، برخی مباحث به دلیل گستره کاربرد، تنوع مصادیق، و پیوند عمیق با زندگی روزمره افراد از اهمیت و حساسیتی ویژه برخوردارند. یکی از این مسائل مهم و نسبتاً مهجور، موضوع «جبران خسارت زیان‌دیده در فرض اجمال سبب» است. این مسئله در قلمرو قواعد ضمان ناشی از اتلاف جای دارد و هم در فقه امامیه و هم در نظام حقوقی ایران، مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۲). (موضوع اجمال سبب زمانی مطرح می‌شود که چند عامل بالقوه، در پدید آمدن خسارت نقش دارند، اما به دلیل فقدان دلیل قطعی، تشخیص اینکه کدام‌یک از آنها به‌طور دقیق و خاص مسبب ضرر بوده‌اند ممکن است. اگرچه گاه ممکن است مباشر و سبب در ایجاد زیان با یکدیگر همکاری کنند، اما این تنها یکی از فرض‌های محتمل است. در مواردی دیگر، ممکن است چند مباشر یا چند سبب، به‌صورت مستقل ولی هم‌زمان، یا به‌صورت طولی و عرضی، در وقوع خسارت تأثیرگذار باشند (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲). (همین تنوع در شکل بروز فعل زیان‌بار، سبب شده مسئله اجمال سبب پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. یکی از دشوارترین ابعاد این بحث، ناظر به تشخیص رابطه سببیت در مسئولیت مدنی است. این رابطه را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: نخست، از منظر حکمی که ناظر به تحلیل مفهومی و نظری است و در آن نظریه‌هایی همچون سبب متعارف، «سبب اصلی»، «سبب نزدیک» و «... مطرح شده‌اند که هر یک کوشیده‌اند ضابطه‌ای روشن برای انتساب خسارت ارائه دهند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۵). (دوم، از منظر موضوعی که ناظر به مصادیق خارجی و واقعی است و در

بررسی شده است
در منابع معاصر، اشاراتی به موضوع دیده می‌شود

- جعفری لنگرودی در «دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت»، واژه‌ی «سبب مجمل» را ذیل مباحث مسئولیت بررسی کرده، اما بدون تحلیل تطبیقی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱)
- صفایی و رحیمی در کتاب «مسئولیت مدنی»، به دشواری‌های احراز علیت در فرض تعدد اسباب و مجهول بودن فاعل اصلی اشاره کرده‌اند، اما راه‌حل دقیق فقهی ارائه نشده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲)

با وجود این اشارات پراکنده، تاکنون پژوهشی جامع و منسجم که به‌طور تطبیقی مسئله‌ی اجمال سبب را در فقه امامیه و حقوق ایران بررسی کند، به‌صورت مستقل منتشر نشده است. خلأ موجود در ادبیات حقوقی و فقهی، انگیزه‌ی اصلی برای تدوین این مقاله را تشکیل داده است

یافته‌های پژوهش

مسئله اجمال در سبب ورود ضرر یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث مسؤلیت مدنی به‌شمار می‌آید و نحوه جبران خسارت از مسائل پیچیده فقهی و حقوقی است. در این بخش اقوال مختلف در این زمینه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد

۱. جبران خسارت توسط کلیه افراد داخل در گروه نخستین دیدگاه کلی این است که جبران خسارت باید بر عهده کلیه افراد حاضر در گروه باشد و در این چارچوب، دو نظریه اصلی برای نحوه توزیع این مسئولیت وجود دارد: دیدگاه نخست بر مسئولیت تضامنی تمامی اسباب احتمالی زیان تأکید دارد و دیدگاه دوم، به تقسیم مساوی مسئولیت میان این اسباب معتقد است

نظریه تقسیم مساوی مسئولیت بین تمام افراد گروه ۱.۱.

سبب را واکاوی نموده و دیدگاه‌های گوناگون را در زمینه مسئولیت و ضمان در این گونه موارد، تحلیل و ارزیابی نماید

مفاهیم

سبب و مباشر

«در مباحث فقهی و حقوقی، تفکیک بین «سبب» و «مباشر» ۱. در ورود خسارت اهمیت دارد. مباشر کسی است که به‌طور مستقیم عمل منجر به ضرر را انجام داده و سبب کسی است که مقدمات آن را فراهم کرده یا از عوامل غیرمستقیم در بروز ضرر بوده است. فقه امامیه معمولاً مباشر را بر سبب مقدم می‌دارد. مگر در موارد خاصی که سبب اقوی از مباشر تلقی شود

سبب مجمل ۲.

سبب مجمل به حالتی اطلاق می‌شود که ضرری از ناحیه یکی از چند نفر معین وارد شده، اما به‌طور دقیق مشخص نیست که کدام یک از آنان عامل حقیقی ضرر بوده است. در این حالت با اینکه علم اجمالی به تحقق زیان از جانب یکی از آن‌ها وجود دارد، اما علم تفصیلی نسبت به فاعل واقعی وجود ندارد

علم اجمالی ۱.۴.

علم اجمالی، علمی است که در آن وقوع یک امر (مثلاً ایراد ضرر) از سوی یکی از چند نفر محرز است، اما مشخص نیست که کدام یک مرتکب شده است. علم اجمالی آثار خاصی دارد و معمولاً نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای حکم قضایی قرار گیرد، مگر در صورتی که به ترتیبات جبرانی چون قرعه، مصالحه یا توزیع مسئولیت منجر شود

پیشینه

اگرچه بحث از مسئولیت در فرض اجمال سبب در آثار متقدمان فقهی سابقه دارد، اما به‌ندرت به‌صورت مستقل و نظام‌مند

در خصوص اشتراک در جنایت چنین اظهار نظر کرده، ۱۳۶۱، است که دیه باید «بالسویه» میان متهمین تقسیم شود (بازگیر، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱)

نظریه مسئولیت تضامنی افراد داخل در گروه ۲.۱. یکی دیگر از راهکارهای ارائه شده برای توزیع خسارت برقراری مسئولیت تضامنی برای تمام اعضای گروه است. طبق این نظریه، کلیه افراد گروه در برابر زیان دیده، مسئول پرداخت تمام زیان وارده هستند و زیان دیده این اختیار را دارد که برای دریافت کل خسارت به هر یک از آن‌ها که بخواهد، مراجعه کند. البته در روابط داخلی میان مسئولان، ممکن است از شیوه‌های دیگری برای تقسیم نهایی هزینه استفاده شود. به بیان دیگر، برای همه افرادی که عامل اصلی ورود زیان، عضوی از گروه آن‌ها بوده است، باید مسئولیت تضامنی قائل شد. شماری از حقوقدانان برجسته ایران معتقدند که مسئولیت افراد در چنین مواردی تضامنی است. استدلال ایشان آن است که خواندگان متعدد به طور جمعی موجبات خسارت را فراهم آورده‌اند و چنین مسئولیتی قابلیت تجزیه ندارد. این گروه برای تأیید نظریه خود به وحدت ملاک از برخی مواد قانونی استناد می‌کنند؛ از جمله مواد ۳۱۶ و ۳۲۷ قانون مدنی در خصوص مسئولیت تضامنی غاصبین و به ویژه ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی که صراحتاً بیان می‌دارد: «هرگاه چند نفر مجتمعاً زانی را وارد سازند، متضامناً مسئول جبران خسارت می‌باشند». (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۴۸۷)

این رویکرد منافع قابل توجهی برای زیان دیده در پی دارد؛ او از بابت امکان جبران خسارت تا حد زیادی آسوده خاطر شده، و با خطر اعسار یکی از خواندگان مواجه نخواهد شد. به علاوه این نظریه به عدالت و مصلحت نزدیک تر است، زیرا این فرض

بر اساس این نظریه، هنگامی که خسارت، نتیجه عملکرد جمعی چندین سبب مختلف بوده و تفکیک و انتساب آن به فعل یا ترک فعل یکی از عاملین ممکن نباشد، تجزیه خسارت و تقسیم مسئولیت جبران آن به طور مساوی میان تمام اسباب محتمل توجیهی منطقی می‌یابد. می‌توان با استناد به برخی مواد قانون مجازات اسلامی (مواد ۴۷۷، ۴۷۸ و ۴۷۹ (که به مصادیقی از سبب مجمل اشاره دارند، به نوعی این رویکرد تساوی را اثبات نمود

یکی از مبانی استوار برای این نظریه، «عدالت توزیعی» است مطابق این مفهوم، مسئولیت مدنی دیگر صرفاً ابزاری برای تدارک ضمانت اجرا در برابر خطای مرتکب علیه زیان دیده نیست؛ بلکه باید به مثابه سازوکاری برای تقسیم ضررهای غیرعمدی و اتفاقی و انتقال آن از دوش زیان دیده به سایر اشخاص عمل کند. در واقع، امروزه مسئولیت مدنی به الزامی برای تحقق عدالت توزیعی بدل شده و لازم است از تمامی ضررها به عنوان مبنایی برای آن سخن گفت (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۹-۵۰۷). (مسئولیت مشترک و مساوی اسباب متعدد در فرض علم اجمالی و همچنین مسئولیت بیت‌المال در برخی فروض قانونی، می‌تواند بازتابی از همین مبنای عدالت توزیعی در حقوق مسئولیت مدنی باشد

این دیدگاه در فقه امامیه نیز طرفدارانی دارد؛ گروهی از فقها در فرض علم اجمالی به عامل قتل، جبران خسارت به تساوی میان اسباب محتمل را مناسب تر دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۵). (رویه قضایی نیز در مواردی به این نظریه تمایل ۱۸۳ نشان داده است. به عنوان نمونه، شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۱/۴۱۷، ضمن نقض دادنامه بدوی و با استناد به ماده ۱۰ قانون قصاص و مواد ۳۸ تا ۴۰ قانون دیات مصوب

(کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۴۸۵). (همچنین، از نظریات اداره حقوقی نیز می‌توان «اصل نسبی بودن خسارت» را استنباط کرد که با مفهوم تضامن فاصله دارد

۲. جبران خسارت توسط بیت‌المال، بیمه و صندوق جبران خسارت

یکی از راهکارهای مطرح در زمینه جبران خسارت در موارد اجمال سبب، پرداخت خسارت از منابع عمومی نظیر بیت‌المال است. این راهکار در فقه اسلامی نیز دارای سابقه بوده و نمونه‌هایی برای آن در متون فقهی و قانونی قابل مشاهده است. برای مثال، اگر جنازه فردی در شارع عام یافت شود و هیچ‌گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا اشخاص مشخص وجود نداشته باشد، یا اگر کسی بر اثر ازدحام جمعیت جان بسپارد و قرائن ظنی نیز نتوانند قاتل را مشخص نمایند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ ص ۵۲۸) همچنین، ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۲۵۵ قانون پیشین شده است، صراحت دارد که اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا به سبب ازدحام جان بسپارد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. شایان ذکر است که اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مواد مذکور را تنها مصادیقی از موارد پرداخت دیه از بیت‌المال تلقی کرده و امکان، تعمیم آن‌ها به موارد مشابه را مطرح می‌داند (میرمحمدصادقی (ص ۱۳۹۲۲۶۴).

علاوه بر این ماده، مواد ۴۸۴، ۴۸۷، ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۰ قانون بیمه اجباری نیز بیت‌المال را مسؤول جبران دیه در موارد خاص شناخته‌اند. از همه مهم‌تر، ماده ۴۷۷ همین قانون، در مواردی که علم اجمالی وجود دارد مبنی بر ارتکاب جنایت توسط یکی از چند نفر معین و امکان مطالبه

منطقی وجود دارد که اعضای یک گروه که با هم خطری را ایجاد کرده‌اند، بهتر از هر شخص دیگری می‌توانند یکدیگر را شناسایی کرده و در نهایت به مسئول اصلی مراجعه نمایند؛ حتی اگر زیان‌دیده از اثبات آن عاجز باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

با این وجود، به نظر می‌رسد هرچند نتایج این نظریه در راستای جبران کامل خسارت و جلوگیری از هرج‌ومرج حقوقی مؤثر و به نفع زیان‌دیده است، اما تمسک به آن در تمامی شرایط ممکن نیست. تضامن اصولاً در جایی معنا می‌یابد که تمام افراد گروه در ارتکاب تقصیر با یکدیگر مشارکت داشته باشند. بنابراین، در مواردی که تنها یکی از اعضای گروه مرتکب تقصیر شده و سایرین هیچ عمل خطایی انجام نداده‌اند، اعمال این قاعده صحیح به نظر نمی‌رسد. افزون بر این، در فقه اسلامی، پذیرش تضامن امری خلاف اصل است و موارد معدودی که در آن‌ها مسئولیت تضامنی به رسمیت شناخته شده، حالاتی استثنائی و مبتنی بر علل خاص هستند که نمی‌توان از آن‌ها یک حکم کلی استقراء نمود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۹۸). (برخی فقها با استدلالی منطقی بیان داشته‌اند همان‌طور که استقرار یک مال به طور همزمان در دو مکان محال است، قرار گرفتن یک دین واحد بر دو ذمه مختلف نیز امری محال است) (آملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۹۴) برخی دیگر این تردید را این‌گونه بیان کرده‌اند که چگونه می‌توان تصور کرد که مسئولیت تهیه یک بدل برای مال، تلف‌شده، بر عهده اشخاص متعدد قرار گیرد؟ (حکیم، بی تا، ص ۲۶۷). (بنابراین، فقها عموماً با نهاد تضامن سازگاری ندارند زیرا آن را با اصل بنیادین «مسئولیت شخصی» و این قاعده که هر کس مسئول اعمال خویش است «در تعارض می‌بینند»

زیان‌های حاصل از سبب مجمل، به‌ویژه در پرونده‌هایی که به دلیل نقص فنی یا عیب در کالای تولید انبوه به‌وقوع می‌پیوندند، برخی نظریه‌پردازان پیشنهاد داده‌اند از نظام‌های جایگزین نظیر بیمه‌های اخلاقی، نظام‌های استخدامی یا صندوق‌های جبران در این (Sugarman, ۱۹۸۷: ۵۹۲) خسارت استفاده شود سازوکار، منبع مالی صندوق یا بیمه از طریق مشارکت فعالان حوزه خاص تأمین و هزینه آن در قیمت نهایی کالا منظور این راهکارها ایرادات (Abraham, ۱۹۸۷: ۸۸۵) می‌گردد موجود در نظریه‌های مسئولیت جمعی را برطرف ساخته و همچنین از اثبات دشوار رابطه سببیت بی‌نیاز هستند توزیع خسارت به تساوی بر اساس قاعده عدل و انصاف ۳. دیدگاه دیگری که در فقه امامیه و حقوق ایران مطرح شده تقسیم خسارت میان افراد محصور و مشخص بر اساس قاعده عدل و انصاف است. قاعده عدل و انصاف در فقه به معنای تقسیم اموال و حقوق مشتبه میان مدعیان به‌صورت مساوی در شرایط عدم وجود اماره یا دلیل برای اثبات مالکیت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ش ۱۰۸۴۶) یکی از نمونه‌های فقهی در این خصوص، روایت هشام بن سالم از امام صادق (ع) (است که درباره میراث خنثی فرمودند: «اگر نشانه‌های مردانگی و زنانگی در وی برابر باشد، نیمی از میراث مرد و نیمی از میراث زن را به ارث می‌برد») «حر عاملی، ۱۴۲۸، ج ۲۶، ص ۲۸۵. (این حکم مبتنی بر قاعده عدل و انصاف است زیرا تعیین یکی از دو فرض بدون دلیل، ترجیح بلا مرجح و رها کردن آن منجر به تضییع حق خواهد شد در بسیاری از موارد، در صورت وجود علم اجمالی نسبت به مالکیت دو طرف بر مالی مشخص و فقدان دلیل اثباتی، فقه امامیه حکم به تنصیف و تقسیم مال به‌صورت مساوی داده

سوگند از متهمان وجود نداشته باشد، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال داده است در تأیید این دیدگاه، می‌توان به قاعده تنقیح مناط از موارد پیشین استناد نمود و خسارت‌های ناشی از سبب مجمل را نیز مشمول پرداخت از بیت‌المال دانست. در روایتی معتبر از ابی عبیده نقل شده که امام باقر (علیه السلام) (در پاسخ به حکم نابینایی که موجب کور شدن چشم فردی شده بود، فرمودند که دیه در چنین مواردی از مال نابینا پرداخت می‌شود و اگر مالی نداشته باشد، امام دیه را پرداخت می‌کند تا حق مسلمان ضایع نگردد) (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۱۴) با این حال، برخی از فقها با این نظریه مخالفت نموده‌اند. آنان بر این باورند که پرداخت دیه از بیت‌المال صرفاً در مواردی پذیرفتنی است که هیچ راه دیگری برای جبران خسارت وجود نداشته باشد. این گروه، اصل را بر عدم مسئولیت بیت‌المال قرار داده و در تأیید نظر خود به روایتی استناد کرده‌اند که بر اساس آن، امام (ع) (دیه فرد غرق‌شده در فرضی که احتمال داشت یکی از گروه شناگران او را غرق کرده باشد، بر عهده همان گروه قرار داده است) (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۸) با توجه به قانون مصوب ۱۳۹۲ که مواد متعددی را به مسئولیت بیت‌المال اختصاص داده، به نظر می‌رسد پرداخت خسارت از این منبع می‌تواند به‌عنوان راهکاری مناسب جهت جبران خسارت در فرض علم اجمالی محسوب گردد. اگرچه این راه‌حل عمدتاً در خصوص خسارات جانی و بدنی مورد پذیرش قرار گرفته و پرداخت خسارت‌های مالی و مادی همچنان محل تردید است، اما با روح عدالت توزیعی و حمایت از حقوق زیان‌دیده هم‌سویی دارد در پاسخ به ناتوانی نظریه مسئولیت مدنی رایج در جبران

پاسخگویی به مسئله را ندارند، قرعه به‌عنوان آخرین راهکار برای حل و فصل نزاع و جلوگیری از تضییع کامل حق مطرح می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۱۳ (ص).

از منظر فقه اسلامی نیز قرعه جایگاهی محکم دارد و یکی از قواعد مورد اتکای فقها برای صدور حکم در موارد مشتبّه است، در مسئله سبب مجمل نیز که مسئول واقعی شناخته‌شده نیست اجرای قرعه به‌عنوان ابزار عملی اجرای قاعده عدالت، نه تنها منطبق بر اصول عقلانی است، بلکه سازگاری کاملی با نصوص دینی نیز دارد. قاضی به‌ناچار باید یکی از اطراف را از طریق قرعه موظف به جبران خسارت کند تا از این رهگذر، هم حق زیان‌دیده رعایت شود و هم اصل نظم عمومی و لزوم خاتمه دادن به دعاوی حفظ گردد (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۴۶). ارجاع به قرعه، علاوه بر پشتوانه عقلایی، مستند روایی نیز دارد به‌ویژه در جایی که علم اجمالی به تحقق ضرر از ناحیه یکی از افراد وجود دارد اما تعیین مشخص آن ممکن نیست، قرعه آخرین راه‌حل محسوب می‌شود. البته اگر راه‌حلی دیگر برای خروج از این بن‌بست وجود داشته باشد، نوبت به قرعه نمی‌رسد (همان).

از نظر اجماعی نیز فقهای امامیه به‌صورت موجه جزئی قاعده قرعه را پذیرفته‌اند و هیچ فقهی به‌صورت سالبه کلیه آن را مردود ندانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۵۵). با این حال، چون مستند این اجماع، همان روایات و ادله پیشین است و از نوع «اجماع مدرکی» محسوب می‌شود، نمی‌توان به‌عنوان یک دلیل مستقل و معتبر فقهی به آن استناد نمود، بلکه صرفاً مؤیدی بر قوت ادله دیگر است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۲۶).

است. از جمله در جواهرالکلام آمده است که اگر دو نفر نسبت به مالی اختلاف کنند و هیچ‌کدام بینه نداشته باشند، باید آن مال به تساوی میانشان تقسیم شود و در این حکم اختلافی نیز وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۴۰۲). (همچنین در مواردی، چون اختلاف بر سر مالکیت یک حیوان، با نبود دلیل معتبر قاعده عدل و انصاف حکم به تقسیم مساوی میان مدعیان داده است) (عاملی، ۱۴۱۱، ص ۷۴۳). بدین ترتیب، قاعده عدل و انصاف، به‌عنوان قاعده‌ای عقلایی و فقهی، در مواردی که علم اجمالی نسبت به سبب زیان وجود دارد ولی تعیین دقیق عامل ممکن نیست، امکان تقسیم خسارت به شکل منصفانه را فراهم می‌سازد. ۴. جبران خسارت از طریق قرعه در مواردی که موضوع در دایره دوران امر بین محذورین قرار می‌گیرد و امکان احتیاط و تعیین دقیق مسئول وجود ندارد به‌ویژه در مسأله «سبب مجمل» که مصداقی از این وضعیت به شمار می‌رود، راهکاری که بر اساس اصول عملیه مطرح می‌گردد، انتخاب یکی از اطراف به‌عنوان مسئول است. در چنین حالتی، برگزیدن یک طرف که فاقد رجحان بر طرف دیگر است یا باید با اراده و گزینش قاضی صورت گیرد که زمینه‌جانبداری را فراهم می‌سازد، یا اینکه به قرعه سپرده شود. در نتیجه، تنها راه قابل قبول و عاری از ترجیح بلاوجه برای رفع چنین مشکلی، قرعه‌کشی خواهد بود (زراعت، ۱۳۸۹، ص ۹۸). قرعه در این گونه موارد، بیش از آنکه کاشف از واقع باشد وسیله‌ای برای انجام وظیفه حاکم در فصل خصومت و اجرای عدالت رویه‌ای است، چرا که راه دیگری برای کشف حق در میان نیست و بلا تکلیف گذاشتن دعوا خود مفسده‌ای بزرگ‌تر است. در واقع، زمانی که قواعد حقوقی، عقلی و عرفی توان

است که در مواردی که امکان مصالحه میان طرفین وجود ندارد، قاضی می‌تواند به‌عنوان حاکم، حکم به توزیع خسارت، به‌طور مساوی میان مظنونان بدهد (مراغی، ۱۴۱۷ ج ۲، ص ۵۶۲). (مشابه همین حکم در اموال امام، ترکه شخص بی‌وارث، یا الزام به پرداخت نفقه مشاهده می‌شود که حاکم شرع، به‌موجب ولایت خود، دخالت می‌کند) همان: ۵۶۳). در مسأله مورد بحث نیز قاضی، برای اجرای حکم جبران خسارت، می‌تواند از مظنونان خسارت دریافت کند؛ به‌شرطی که راه‌حل فقهی و حقوقی روشنی در دست نباشد (صفری ص ۸۰). (با این حال، این راهکار خالی از اشکال نیست، ۱۳۷۹ زیرا اگر قاضی اختیار مطلق در صدور حکم داشته باشد، ممکن است باعث هرج و مرج، بی‌عدالتی و تشتت آراء شود. در نظام حقوقی امروز، قاضی موظف است به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، حکمی صادر کند که بر اصول حقوقی و عدالت استوار باشد، نه انتخاب و سلیقه شخصی) (راعی و شریفیان، ۱۳۹۰، ص ۹۵-۹۶).

نتیجه‌گیری

مفهوم «سبب مجمل» در فقه و حقوق هنگامی به‌درستی ۱. تحقق می‌یابد که گروهی از اشخاص، به‌گونه‌ای هم‌زمان و بدون امکان تعیین دقیق فاعل زیان، اقدام یا رفتاری انجام دهند که به بروز خسارت بینجامد. در چنین شرایطی، علی‌رغم اینکه تنها یکی از این افراد به‌طور واقعی عامل زیان است، اما به دلیل نبود ابزار شناسایی دقیق و احراز تفصیلی مسئول، جمع آنان در مظان اتهام قرار می‌گیرند. از آنجا که این افراد یا خود اقدام به رفتار زیان‌بار کرده‌اند یا در مظان قوی ارتکاب آن هستند، و نیز به منظور رعایت حقوق زیان‌دیده و جلوگیری از ضایع شدن

۵. تخیر قاضی
برخی از نظریه‌پردازان معتقدند در مسأله سبب مجمل، قاضی مخیر است که هر یک از اسباب مجمل را مسئول جبران خسارت بداند؛ چرا که این موضوع را از مصادیق دوران بین‌محدورین تلقی می‌کنند. از منظر اصولی، در مواردی که دلیل اجتهادی برای کشف حکم شرعی وجود نداشته باشد، راهکار رجوع به اصول عملیه است. بر این اساس گفته شده: «الأصل دلیل حیث لا دلیل له» (یعنی اصل در جایی که دلیل اجتهادی وجود ندارد، به کار می‌آید) (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۶۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۳-۱۴).
در این وضعیت، قاضی با دو محدود روبروست: تبرئه همگان که به تضییع قطعی حق زیان‌دیده می‌انجامد، و مسئول دانستن همگان که مستلزم ظلم به افراد بی‌گناه است. در چنین شرایطی که علم اجمالی به وقوع ضرر وجود دارد ولی تعیین سبب واقعی ممکن نیست، اصل احتیاط نیز کارساز نخواهد بود. بنابراین، این حالت از مصادیق دوران بین دو حکم غیرقابل جمع است و به اعتقاد برخی فقها، در این فرض، قاضی باید به اصل تخیر رجوع کند (صفری، ۱۳۷۹، ص ۶۷؛ موسوی خویی، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱، ۱۴۲۲).
بر این اساس، طرفداران این نظریه قائل‌اند که با ضامن دانستن یکی از اسباب و تبرئه بقیه، می‌توان به نحوی با علم اجمالی مخالفت قطعی نکرد. این نظریه مبتنی بر آن است که حرمت مخالفت قطعی و عدم لزوم موافقت قطعی با علم اجمالی پذیرفته شود. اما باید توجه داشت که نظر مشهور اصولیان، علم اجمالی را نسبت به هر دو مقام (موافقت و مخالفت) علت تامه می‌داند و قائل به تفکیک نیست (همان).
در نهایت، این دیدگاه با تمسک به ولایت حاکم شرع، معتقد

سازگار است، نظریه تقسیم مسئولیت به صورت تساوی میان اسباب مجمل می‌باشد. این راهکار، که بر پایه قاعده عدل و انصاف، عرف عقلایی، و مصلحت اجتماعی استوار است علاوه بر آنکه از تحمیل زیان غیرمنصفانه بر زیان‌دیده جلوگیری می‌کند، ترجیح بی‌دلیل یکی از اسباب بر دیگری را، نیز منتفی می‌سازد. چراکه در فرض نبود قرینه‌ای برای ترجیح باید همه افراد به‌طور مساوی مسؤول شناخته شوند. این راهکار از منظر اجتماعی نیز قابل دفاع است، زیرا با نگاه به مسئولیت جمعی و ضرورت حمایت از زیان‌دیدگان در نظام‌های پیچیده اجتماعی امروز، می‌توان آن را همخوان با منطق عدالت ترمیمی دانست.

در خصوص نحوه اجرای تقسیم مسئولیت، دو نظریه تساوی ۴. و تضامن وجود دارد. نظریه تضامن به این معنا که زیان‌دیده می‌تواند از هر یک از اسباب مجمل مطالبه خسارت کند، در ظاهر به نفع زیان‌دیده است و می‌تواند از مواجهه وی با اعسار برخی از خواندگان جلوگیری کند. از سوی دیگر، مسئولان متعدد نیز قادرند بر اساس روابط داخلی خود، نسبت به رجوع و جبران سهم دیگران اقدام کنند. با این حال، باید توجه داشت که تضامن، در فقه اسلامی اصل نیست بلکه استثناء محسوب می‌شود و فقط در موارد خاص با ادله‌ی خاص پذیرفته شده است. بنابراین، نمی‌توان آن را به‌عنوان قاعده عام در موارد سبب مجمل جاری ساخت نهایتاً، با توجه به اینکه اصل در مسئولیت مدنی، لزوم جبران ۵. ضرر و زیان وارد بر اشخاص است، باید حتی در فرض اجمال، سبب نیز، تا جایی که عرف و قواعد عقلایی اجازه می‌دهد عامل زیان را مسؤول دانست. در این راستا، همین اندازه که بتوان ورود ضرر را به گروهی خاص نسبت داد و عرف نیز این

حق، منطقی و منصفانه آن است که اصل را بر مسئولیت مشترک آن‌ها قرار دهیم؛ مگر اینکه خلاف آن از سوی خودشان اثبات شود. از این رو، اماره سببیت در این موارد، قوت و حجیت بیشتری دارد بر اساس اصول و مبانی پذیرفته‌شده در حقوق و فقه، لزوم ۲. جبران خسارت یک اصل مسلم تلقی می‌شود. راهکارهای متعددی برای این جبران پیشنهاد شده‌اند که هر یک دارای مزایا و محدودیت‌هایی هستند. از جمله آن‌ها، نظریه تخییر قاضی است که هرچند در ظاهر قدرت تصمیم‌گیری را به قاضی می‌دهد، اما به جهت احتمال بروز هرج و مرج، بی‌ثباتی در آراء و نقض عدالت قضایی، نمی‌توان آن را راهکار مطلوبی دانست. از سوی دیگر، قرعه که پشتوانه شرعی و فقهی دارد و حتی در ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بدان اشاره شده بود، نیز راه‌حلی است که در فرض نبود راهکار مناسب‌تر، می‌تواند جهت فصل خصومت به کار رود؛ زیرا احتمال دارد قرعه بر نام عامل واقعی اصابت کرده و در نتیجه، جبران خسارت به نحوی عادلانه انجام گیرد. با این وجود، باید توجه داشت که تا زمانی که شیوه‌هایی با بنیان‌های روشن‌تر حقوقی، مانند جبران از بیت‌المال یا تقسیم مسئولیت، در دسترس باشند، استناد به قرعه ضرورتی نخواهد داشت. شاید به همین دلیل، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دیگر متعرض قاعده قرعه نشده و به جای آن، راه‌حلی مانند پرداخت خسارت از بیت‌المال را در موارد متعدد مقرر کرده است. البته این راه‌حل نیز عمدتاً در مورد خسارات بدنی کاربرد دارد و به دلیل آنکه پرداخت از بیت‌المال برخلاف اصل است، نمی‌توان آن را به خسارات مادی تسری داد. در میان راهکارهای پیشنهادی، آنچه بیش از دیگر ۳. روش‌ها با اصول حقوقی، موازین فقهی، و عدالت اجتماعی

انتساب را بپذیرد، برای تحقق مسئولیت و الزام به جبران کافی است؛ چه آنکه عامل زیان به طور تفصیلی معلوم باشد، و چه اینکه اجمالی در میان باشد. بی تردید، پذیرش چنین نگاهی گامی مؤثر در حمایت از حقوق زیان دیدگان و پیشگیری از بی عدالتی در فضای مسئولیت مدنی خواهد بود.

منابع و مأخذ

- الف: منابع فارسی
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴
- بازگیر یدالله، قانون در آئینه آرای دیوان عالی کشور، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۱
- حسینی نژاد، حسین قلی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰
- راعی، مسعود، شریفیان، علی، تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت، فصلنامه معرفت حقوقی، پاییز ۱۳۹۰، ش ۱
- زراعت، عباس، قاعده قرعه، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۰، ش ۱۰۱، ۱۳۸۹
- صفایی، حسین، مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)، فصلنامه پژوهش حقوقی قم، ۱۳۸۸
- صفایی، سید حسین و رحیمی، اسدالله، مسئولیت مدنی تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸
- صفایی، سید حسین، مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱
- صفری، محسن، مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۹
- قاسم زاده، مرتضی، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷
- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری) جلد دوم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
- کاتوزیان، ناصر، سمینار ارزش های نو و تحولات مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، جلد اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۸
- مکارم شیرازی، ناصر، قواعد فقه، چاپ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۰
- میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ب: منابع عربی
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول، چاپ پنجم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶
- آملی، محقق نائینی، شیخ محمد تقی، المکاسب البیع، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳
- حراعلی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۸
- حسینی شیرازی، محمد، الفقه، چاپ هفتم، قم، دار العلم، ۱۴۰۷
- حکیم، محسن، نهج الفقاهه، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، بی تا

چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴

ج: منابع لاتین

-Steel, Sandy, Proof of causation in Tort Law, Cambridge university press, ۲۰۱۵, first published
-Abraham Kenneth, S, Individual Action and Collective Responsibility: The dilemama of Mass Tort Reform, Virginia Law Review, Vol ۷۳, No۵, ۱۹۸۷

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، چاپ

دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.

عاملی، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، مترجم صانعی، سید

مهدی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۴۱۱

مراغی، حسینی، میرعبدالفتاح، العناوین الفقهیه، قم، دفتر

انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.

، موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، قم

دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۰

، موسوی خویی، ابوالقاسم، مصباح الأصول چاپ اول، قم

موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲

، نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام